



Validation of Transactions Aimed at Resembling a Man to a Woman or Vice Versa

Gholamreza Yazdani¹ 

1. Associate Professor, Department of Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran.
Email: dr.ghyazdani@razavi.ac.ir

Abstract

One of the conditions for the validity of a transaction is the legitimacy of its purpose. In cases where the subject of the contract involves the adornment or resemblance of a man to a woman or vice versa, we face the question of what status such transactions have in terms of validity or invalidity. In response to this question, some researchers consider the transaction invalid due to the illegitimacy of its purpose, while others do not view the resemblance of a man to a woman or vice versa as prohibited and therefore rule in favor of the validity of such transactions. In the present study, which is based on a descriptive-analytical method, it has been concluded that, in principle, the adornment of a man to resemble a woman or vice versa is not prohibited unless the purpose of the resemblance is to commit a forbidden or prohibited act. Therefore, a transaction whose subject is the resemblance of men to women or vice versa will also be valid and enforceable. However, if the individual's purpose for the resemblance is to commit a forbidden or prohibited act, the contract will be deemed invalid due to the illegitimacy of its purpose, and the contract made for the adornment of a person to resemble the opposite gender will also be void.

Keywords: Decoration, Resemblance, Reminder, Effeminate, Imitations.

Cite this article: Yazdani, G. (2025). Validation of Transactions Aimed at Resembling a Man to a Woman or Vice Versa. *Jurisprudence and the Fundamentals of the Islamic Law*, 57 (2), 441-458. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2025.385251.669753>



Article Type: Research Paper

Received: 11-Nov-2024

Received in revised form: 30-Jan-2025

Accepted: 3-Feb-2025

Published online: 8-Mar-2025

اعتبارسنجی معامله جهت تشبیه مرد به زن و بعکس

غلامرضا یزدانی^۱

۱. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد مقدس، ایران. رایانامه: dr.ghyazdani@razavi.ac.ir

چکیده

یکی از شرایط صحت معامله، مشروعیت جهت معامله است. در مواردی که موضوع قرارداد، تزئین و تشبیه مرد به زن و یا بعکس است، با این سوال مواجه هستیم که چنین معاملاتی از نظر صحت و فساد چه وضعیتی دارند؟ در پاسخ به این سوال، گروهی از محققین معامله را به جهت نامشروع بودن جهت، باطل دانسته و در مقابل برخی از محققین تشبیه مرد به زن و بعکس را ممنوع ندانسته و در نتیجه حکم به صحت این دسته از معاملات می‌دهند. در تحقیق پیش رو که مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است این نتیجه به دست آمده است که اساساً تزئین مرد به زن و بعکس، ممنوع نیست مگر هدف از تشبیه، ارتکاب فعل حرام و ممنوع باشد. از این رو، معامله ای که موضوع آن، تشبیه مردان به زنان یا بعکس باشد نیز صحیح و نافذ خواهد بود. و صرفاً در صورتی که هدف فرد از تشبیه، ارتکاب فعل حرام و ممنوع باشد، به جهت نامشروع بودن جهت معامله، قراردادی که برای تزئین شخص به جنس مخالف نموده‌است نیز باطل خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: تزئین، تشبیه، تذکر، مخنث، متشبها.

استناد: یزدانی، غلامرضا (۱۴۰۳). اعتبارسنجی معامله جهت تشبیه مرد به زن و بعکس. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۷ (۲)، ۴۴۱-۴۵۸.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱

© نویسندگان

DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2025.385251.669753> بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸



مقدمه

قانون مدنی در ماده ۱۹۰ به تبعیت از فقه امامیه برای صحت معامله در عوضین، شرایطی را بیان کرده است. یکی از شرایط این است که جهت معامله، مشروع باشد. از این رو، این سوال مطرح می شود اگر موضوع قرارداد، تزئین مرد به لباس و هیئت زنانه یا بعکس باشد، آیا چنین قراردادی صحیح است یا خیر؟ به عنوان نمونه تهیه کننده یک فیلم با یک گریمور قرارداد منعقد کرده که بموجب آن، گریمور می بایست، مردی را به گونه ای گریم کند که به شکل خانمی در آید. یا مردی با آرایشگر قرارداد می بندد تا وی را به شکل خانمی آرایش نماید و مواردی شبیه این. آیا چنین قراردادهایی، صحیح است یا خیر؟ برای پاسخ به این سوال باید دید آیا تزئین مرد به لباس و هیئت زنانه یا تزئین زن به لباس و هیئت مردانه، از نگاه شرعی، حرام است یا خیر؟ در پاسخ به این سوال، تا قبل از علامه حلی، هیچ یک از فقها به حرمت تشبیه الرجال بالنساء و بعکس تصریحی نکرده اند. منتهی این فرع فقهی آمده است که تزئین مرد با چیزی که بر او حرام است، حرام است. ظاهراً اولین فقیهی که مسئله تشبیه الرجال بالنساء و بعکس را مطرح کرده است، علامه حلی است. (علامه حلی، ۱۴۰۱: ۴۴) علاوه بر این اولین فقیهی که عبارت: «تزیین الرجل بما یحرم علیه» را به «تشبیه الرجال بالنساء» تفسیر کرده است، محقق ثانی و سپس شهید ثانی می باشند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳، ۱۳۰)

محقق اردبیلی و محقق سبزواری تفسیر فوق را مورد تردید قرار داده است. (محقق سبزواری، بی تا: ۱، ۴۴۲) و محدث بحرانی به صراحت، حکم به بطلان تفسیر فوق می کند. (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۷، ۱۹۷) محقق اردبیلی دو دلیل برای نظریه بطلان اشاره کرده است (اجماع و مصداق غش بودن) ولی هر دو دلیل را رد می کند. (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۸، ۸۵) محدث بحرانی به روایات لعن تشبیه الرجال بالنساء و بعکس اشاره می کند و معتقد است تشبیه در این روایات، تشبیه از نظر نوع لباس پوشیدن نیست. (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۷، ۱۹۷) به هر حال در مجموع بین فقها در پاسخ به این سوال، حداقل چهار رویکرد وجود دارد؛ برخی از فقها به ویژه قدما این فرع فقهی را مورد اشاره قرار نداده اند. گروهی از فقها حکم به حرمت تشبیه مردان به زنان و بعکس کرده اند. طرفداران حرمت، برخی مطلق تشبیه و هر گونه تشبیه را حرام و ممنوع دانسته و برخی تشبیه در لباس پوشیدن را. در نهایت گروهی صرف تشبیه به جنس مخالف را حرام ندانسته مگر هدف از تشبیه، ارتکاب فعل حرام و ممنوع باشد. در ادامه نظریه حرمت و حلیت مورد نقد و ارزیابی قرار می گیرد.

قبل از ورود به بحث لازم است در خصوص پیشینه پژوهش این نکته مد نظر قرار گیرد که ظاهراً تاکنون در خصوص موضوع کنونی یعنی اعتبار سنجی این قبیل معاملات، مقاله یا پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. پژوهشی هایی که به نوعی ناظر به مسئله کنونی انجام شده است بدین شرح است: مقاله ای است با عنوان «پوشیدن لباس جنس مخالف» توسط فاضل ارجمند داوود عابدی اردکانی، که در شماره ۲ مجله تا اجتهاد به چاپ رسیده است. در این مقاله نویسنده محترم به حکم

وضعی معاملات فوق نپرداخته است و صرفاً حکم تکلیفی پوشش لباس جنس مخالف را مورد بررسی قرار داده است. پیش فرض نویسنده محترم، حرمت پوشش لباس جنس مخالف بوده و این را امری مسلم دانسته و صرفاً نسبت به قلمرو حرمت، مباحثی را مطرح می کنند. این در حالی است که اساساً حرمت پوشش لباس جنس مخالف، مسلم نبوده و به نظر می رسد، صرف پوشش حرام نیست. در مقاله کنونی تلاش شده ابتدا حکم تکلیفی تشبیه به جنس مخالف و سپس معاملات موضوع آن بررسی گردد. از این رو، نوآوری مقاله کنونی از یک سو پرداختن به موضوعی که تا کنون مورد پژوهش مستقل قرار نگرفته است، این در حالی است که این قبیل معاملات در بازار کنونی، رواج فراوان دارد و از دیگر سو، اثبات این پیش فرض است که اساساً تشبیه مرد به زن و یا بعکس، از نظر حکم تکلیفی حرام نیست، امری که مخالف نظر مشهور بوده و پیش فرض نویسنده محترم مقاله پیش گفته می باشد. علاوه بر این، مقاله با عنوان «منع تشبه به جنس مخالف» به مثابه قاعده فقهی که توسط دکتر حسین بستان و محمدرضا کدخدایی در مجله مطالعات جنسیت و خانواده در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. نویسنده این مقاله نه تنها تشبیه به جنس مخالف را ممنوع دانسته بلکه تلاش دارد، ممنوعیت تشبیه را به صورت یک قاعده فقهی، ارائه نماید. امری که در نوشتار حاضر، دیدگاه مخالف آن مورد تثبیت قرار گرفته است. همچنین مقاله ای با عنوان «تاثیر تشبیه به جنس مخالف در اخلاق نظام» در مجله نشریه اسلام و علوم اجتماعی توسط دکتر حسین بستان و محمدرضا کدخدایی در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. در این مقاله صرف نظر از ممنوعیت یا عدم ممنوعیت تشبیه به جنس مخالف، آثار تشبیه مورد بررسی نویسندگان محترم قرار گرفته است و از این ره آورد تلاش کرده اند، به لحاظ آثار منفی تشبیه، ممنوعیت تشبیه را تقویت کنند.

۱. مفهوم تشبیه به جنس مخالف

واژه «تشبیه» از «شَبَه» و «شَبِه» گرفته شده است و به معنای شبیه و نظیر است. جوهری در صحاح می نویسد: «شَبَهٌ وَ شَبَهٌ لُغْتَانِ بِمَعْنَى. یقال: هَذَا شَبَهُهُ، أَيْ شَبَّهَهُ.» (جوهری، ۱۴۰۴: ۶، ۲۲۳۶) همین معنا را خلیل بن احمد دارد: «فَلانٌ شَبَهُ مَنْ فِلانٍ وَ هُوَ شَبَّهَهُ وَ شَبَّهَهُ، أَيْ: شَبَّهَهُ.» (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ۳، ۴۰۴) در تاج العروس من جواهر القاموس آمده است که شبه یعنی شیئی که از حیث رنگ و صفت مثل شیء دیگری باشد را شبه می گویند. (زبیدی، ۱۳۰۷: ۱۹، ۵۱)

اما در اصطلاح فقها، مراد از تشبیه مرد به زن و یا تشبیه زن به مرد، هماهنگ کردن شخص خود را به جنس مخالف است. یعنی زن خود را شبیه مردان نماید و یا مرد خود را شبیه زنان کند. (شهید اول، ۱۴۱۷: ۳، ۱۶۳) منتهی در اینکه چه نوع تشبیهی، محل بحث بوده و قلمرو تشبیه چه می باشد، بین محققین محل اختلاف است. برخی تشبیه در نحوه لباس پوشیدن را محل بحث دانسته و بر این اعتقادند که اگر مردی، لباس زنان بپوشد و یا زنی، لباس مردان بپوشد، این امر جایز نیست. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳، ۱۳۰؛ محقق بهبهانی، ۱۴۱۷: ۳۶؛ عاملی، ۱۴۱۹: ۱۲، ۱۹۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۸:

۸، ۱۷۳؛ همو، ۱۴۰۹: ۲، ۱۴؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۱۴، ۱۷۳) و گروهی هر نوع تشبیه و همسانی با جنس مخالف را محل نزاع دانسته و فتوی به ممنوعیت و حرمت هر نوع تشبیه چه در لباس، چه در نحوه حرف زدن و یا راه رفتن و امثال آن دانسته اند. (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۶۲)

۲. نظریه حرمت و ادله آن

ظاهراً اولین فقیهی که در فقه شیعه، حکم به حرمت داده است علامه حلی در پاسخ از استفتائی است. از علامه حلی ره سوال می شود که حکم حنا به دست زدن توسط زن چیست؟ آیا این کار مستحب است؟ و بین زنان متاهل و مجرد فرق است؟ و آیا مرد می تواند دستان خود را حنا ببندد؟ و آیا بر مرد حرام است که خود را شبیه زنان کند و از زینت های متخص آنها استفاده نماید و ...؟ علامه در پاسخ می فرماید: «... اما تزین مرد به زینت زنان، حرام است و آنچه مختص زنان است بر مرد حرام بوده و بعکس» (علامه حلی، ۱۴۰۱: ۴۴) پس از علامه، شهید اول در دروس می نویسد: «و تزین کل من الرجل و المرأة بزينة الآخر» (شهید اول، ۱۴۱۷: ۳، ۱۶۳) بعد از شهید اول، جمعی از فقها همین فتوا را داده ولی در خصوص قلمرو حرمت تزین، سکوت اختیار کرده اند. (محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۴، ۲۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴: ۲، ۹؛ شهید ثانی، ۱۴۲۲: ۳۲۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۳، ۲۱۶؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۰: ۴۴) از عبارت شهید ثانی در مسالک استفاده می شود که ایشان، ملاک حرمت تشبه را در نحوه لباس پوشیدن می دانند. وی در مسالک می نویسد: «المحرّم علیه من الزينة هو المختصّ بالنساء، كلبس السوار والخلخال والثياب المختصة بها بحسب العادة. ويختلف ذلك باختلاف الأزمان والأصقاع... وكذا يحرم على المرأة التزيين بزينة الرجل، و التحلّي بحليته المختصة به، كلبس المنطقة والعمامة والتقلّد بالسيف.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳، ۱۳۰) گروهی دیگر نیز تشبه در لباس را حرام می دانند. (محقق بهبهانی، ۱۴۱۷: ۳۶؛ عاملی، ۱۴۱۹: ۱۲، ۱۹۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۸، ۱۷۳؛ طباطبایی، ۱۴۰۹: ۲، ۱۴؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۱۴، ۱۷۳) برخی دیگر از کسانی که تشبه مردان به زنان و زنان به مردان را حرام می دانند، قلمرو تشبه حرام را منحصر در پوشش قرار نداده و هر نوع تشبه حتی تشبه در نحوه راه رفتن، صحبت کردن، نگاه کردن و حرکات و حالات را نیز حرام می دانند. حسن کاشف الغطاء در این خصوص می نویسد: «و قد يدخل في ذلك التأنيث للرجل باللسان و الإطرار و الحالات و الصفات من المشى و القيام و التغنّج و وضع الشعر على هيئة وضع النساء و ترخيم الأصوات و فعل ما يثير الشهوات... و يلحق بذلك تشبيه المرأة بالرجل من هيئة لباسه و سلاحه بل و كلامه و أفعاله لعموم اللعن المتقدم و الشهرة المنقولة.» (کاشف الغطاء، حسن، ۱۴۲۲: ۱۶۲)

در بین معاصرین نیز گروهی فتوی به حرمت تشبه در لباس داده اند. (سید یزدی، ۱۴۲۱: ۱، ۱۶؛ لاری، ۱۴۱۸: ۱، ۸۹) و گروهی از معاصرین تشبه در لباس را بنا بر احتیاط واجب حرام می دانند. (خمینی، بی تا: ۱، ۱۴۶؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۱، ۱۳۴؛ اراکی، ۱۴۱۴: ۱، ۱۵۲؛ سبحانی، ۱۴۲۹: ۲۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۱۴۱)

بعضی از محققین نیز در صورتی پوشیدن لباس جنس مخالف را ممنوع می دانند که پوشش به عنوان زی متعارف شخص در آید (بصری بحرانی، ۱۴۱۳: ۱، ۳۳۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۶: ۱۴۳؛ شبیری زنجانی، ۱۴۳۰: ۱۸۶؛ مرعشی، ۱۴۰۶: ۱، ۱۴۸)

طرفداران نظریه حرمت به دلایل متعددی استدلال کرده اند. از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱. اجماع

استدلال به اجماع نخستین بار در توسط محقق اردبیلی مطرح شده است. محقق اردبیلی خود اعتقادی به حرمت تشبیه مردان به زنان و بعکس ندارد و می نویسد شاید مستند طرفداران حرمت تشبیه، اجماع باشد و سپس آن را نقد می کند (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۸، ۸۵) با وجود این، گروهی بعد از محقق اردبیلی اجماع را یکی از مستندات حکم حرمت به شمار می آورند. (طباطبایی، ۱۴۱۸: ۸، ۱۷۳؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۱۴، ۱۷۳)

۲-۲. مصداق غش بودن تشبیه

دومین دلیلی که برای حرمت تشبیه مردان به زنان و زنان به مردان بیان شده است این است که تشبیه شخص به جنس مخالف، نوعی غش به شمار می رود و بدون تردید غش عمل حرامی است. این دلیل نیز نخستین بار توسط محقق اردبیلی مطرح شده و ایشان آن را نقد می کند. (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۸، ۸۵)

۲-۳. روایات لعن متشبهین من الرجال بالنساء و بعکس

دلیل سوم و شاید مهم ترین دلیل برای حرمت تشبیه مردان به زنان و بعکس، روایات متعددی است که در این روایات، مردانی که خود را شبیه زنان کنند و نیز زنانی که خود را شبیه مردان کنند، لعن شده اند. (محقق بهبهانی، ۱۴۱۷: ۳۶؛ عاملی، ۱۴۱۹: ۱۲، ۱۹۸؛ کاشف الغطاء، شرح قواعد، ۴۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۸، ۱۷۳) نظیر روایت جابر از امام باقر (ع): «... لَعَنَ اللَّهُ ... الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرَّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸، ۷۱)

۲-۴. حرمت لباس شهرت

از جمله ادله ای که برای حرمت بیان شده است، حرمت پوشش لباس شهرت است. (محقق بهبهانی، ۱۴۱۷: ۳۶؛ عاملی، ۱۴۱۹: ۱۲، ۱۹۸؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۰: ۴۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۸، ۱۷۳) بدین معنا در برخی روایات از پوشش لباس که باعث شهرت و انگشت نما شدن شخص شود، نهی گردیده است. نظیر روایت «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغِضُ شَهْرَةَ اللِّبَاسِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶، ۴۴۵) و «من لبس ثوباً يشهره كساه الله تعالى يوم القيامة ثوباً من النار» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶، ۴۴۵)

۲-۵. مصداق دنائت و پستی بودن

از جمله دلایل بر حرمت تشبه مردان به زنان، این است که این کار باعث دنائت و پستی شخص می شود. (محقق بهبهانی، ۱۴۱۷: ۳۶؛ عاملی، ۱۴۱۹: ۱۲، ۱۹۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۸، ۱۷۳) در روایات از این گونه رفتارها نهی شده است. از جمله روایت «کفی بالمرء خزیاً أن یلبس ثوباً یشهَرُه» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶، ۴۴۵)

۳. نظریه عدم حرمت و ادله آن

در مقابل دیدگاه نخست، گروهی از محققین بر این باورند که تشبه مردان به زنان و بر عکس در لباس پوشیدن و حرکات و سکنات اگر غرض عقلایی داشته باشد، حرام نیست. (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۸، ۸۵؛ محقق سبزواری، بی تا: ۱، ۴۴۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۷، ۱۹۷؛ ایروانی، ۱۴۰۶: ۱، ۲۰) در بین معاصرین نیز گروهی همین نظریه را ابراز داشته اند (عراقی، ۱۳۶۱: ۳۳؛ خوئی، بی تا: ۱، ۲۰۸؛ منتظری، ۱۴۱۵: ۲، ۵۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ۱۵۴؛ بهجت، ۱۴۲۳: ۱۸۳؛ سیستانی، ۱۳۸۶: ۲۲۸)

طرفداران این نظریه به اصل اباحه از یک سو و عدم دلیل بر حرمت اشاره می کنند. به ویژه که تشبه در برخی از امور به جنس مخالف، بدون تردید با هیچ منعی مواجه نیست نظیر انجام برخی از مشاغل و کارهایی که به طور متعارف متعلق به زنان است توسط مردان نظیر خیاطی، ریسندگی، پرستاری و نیز برخی از مشاغل که بر حسب متعارف متعلق به مردان است، اگر توسط زنان انجام شود، حرام نیست نظیر کشاورزی. وانگهی روشن است مادامی که دلیل بر حرمت وجود نداشته باشد، نمی توان حکم به حرمت کرد. محقق سبزواری در این خصوص می نویسد: «و لا أعلم حجة علیه» (محقق سبزواری، بی تا: ۱، ۴۴۲) محدث بحرانی نیز می نویسد: «لم أقف فی هذا الموضوع علی خبر و لا دلیل یدل علی ما ذکروه» (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۸، ۱۹۷) برخی از طرفداران این نظریه، روایاتی که نهی از تشبه رجال به زنان و برعکس را حمل بر تشبه به جنس مخالف در روابط جنسی می کنند و بر این اعتقادند که تشبه در فاعلیت و مفعولیت در امور جنسی و نیز تشبه از حیث تانث مرد و تذکر زن را ممنوع و حرام می دانند. این نظریه توسط شیخ انصاری مطرح شده و بسیاری از متاخرین از ایشان همین نظریه را برگزیده اند. (انصاری، ۱۴۱۵: ۱، ۱۷۴؛ میرزای شیرازی، ۱۴۱۲: ۱، ۶۲) می کنند.

تحقیق در مسئله

برای پاسخ به سوالی که در این نوشتار مطرح شده است، ابتدا باید این بحث صغروی بررسی شود که اساساً تشبه به جنس مخالف، ممنوع است یا مجاز؟ و اگر تشبه ممنوع است، وضعیت معاملاتی که برای تشبه به جنس مخالف و تزین به زینت جنس مخالف انجام می شود، چه وضعیتی دارد.

۴. بررسی حکم تشبه به جنس مخالف

با توجه به اینکه اصل اولیه در افعال، اباحه است، لذا اگر کسی مدعی حرمت تشبه به جنس مخالف شود، باید دلیل اقامه شود. از این رو در ادامه ادله حرمت باید مورد ارزیابی قرار گیرد. ادله ای که برای حرمت بیان شده است، در مجموع چهار دلیل است:

۴-۱. ارزیابی اجماع بر حرمت

با توجه به اینکه این فرع بین قدما و متاخرین اصلاً مطرح نشده است و بر اساس تحقیقی که انجام شد، اولین فقیهی که این فرع را مطرح کرده است، شهید اول است، لذا ادعای اجماع قابل قبول نیست. وانگهی این اجماع مدرکی است و به نظر می رسد، اجماع مدرکی حجت نیست. شاهد اینکه نه تنها مسئله اجماعی نبوده بلکه شهرت فتواییه هم در این مسئله ثابت نیست آن است که مرحوم شیخ طوسی پوشش لباس زن توسط مرد و بر عکس را حتی در نماز، ممنوع نمی داند.^۱ وانگهی مرحوم نائینی، در پاسخ به استفتائی که در این خصوص از ایشان شده است، می فرماید، عادت شیعه در طول تاریخ این بوده است که در تعزیه خوانی ها و مراسم عزای سیدالشهداء، مردان لباس زنان را پوشیده و صحنه های مصیبت اهل بیت را برای مخاطبین به تصویر می کشیده اند: «الظاهر عدم الاشکال فی جواز التشبیهات و التمثیلات التي جرت عادة الشيعة الامامية باتخاذها لاقامة العزاء و البكاء و الالبكاء منذ قرون و إن تضمّنت لبس الرجال ملابس النساء علی الاقوی فإنّنا و إن کنا مستشکلین سابقاً فی جوازه و قیدنا جواز التمثیل فی الفتوی الصادره منا قبل أربع سنوات. لکننا لَمَّا راجعنا المسئلة ثانياً اُنضح عندنا أنّ المحرّم من تشبیه الرجل بالمرأة هو ما کان خروجاً عن زی الرجال رأساً و أخذاً بزى النساء.» (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۳۰)

۴-۲. ارزیابی غش بودن تشبه به جنس مخالف

غش در مواردی مصداق دارد که شخص ظاهر کالا یا شخص به گونه تغییر می دهد که دیگران نوعاً نمی توانند تغییر را احساس کنند نظیر اینکه شخص در ظرف شیر، مقداری آب بریزد. در حالی که در بحث کنونی، وقتی مردی، لباس زنانه می پوشد، نوعاً خفا و پنهانی که در غش معتبر است در این موارد صدق نمی کند. مثلاً اگر مردی، النگوی زنانه به دست کند، برای دیگران تشخیص مرد بودن وی دشوار نخواهد بود. وانگهی، در بحث کنونی، بحث در این است که نفس تشبه به جنس مخالف چه وضعیتی دارد، صرف نظر از عارض شدن عناوین دیگر. یعنی بر فرض که بر تشبه به جنس مخالف، عنوان غش صدق نکند، آیا صرف تشبه به جنس مخالف، ممنوع است یا مجاز؟

۱. طوسی، محمد بن حسن، نهاییه، ص ۹۹: «لا بأس أن یصلی الرجل فی ثوب المرأة إذا كانت مأمونة.»

۳-۴. ارزیابی استدلال به حرمت پوشش لباس شهرت

استدلال به حرمت پوشش لباس شهرت برای اثبات حرمت تشبه به جنس مخالف، علاوه بر اینکه صرفاً حرمت تشبه از حیث نحوه لباس پوشیدن را ثابت می کند نه سایر انواع تشبه را با این اشکال مواجه است که در بحث کنونی، وضعیت نفس تشبه به جنس مخالف محور بحث است، صرف نظر از عارض شدن سایر عناوین.

۴-۴. ارزیابی روایات ناهی از تشبه

روایتی که در خصوص موضوع کنونی وارد شده است، به سه دسته تقسیم می شوند:

۱. روایاتی که از هر نوع تشبه نهی کرده اند.
 ۲. روایاتی که از تشبه در نحوه لباس پوشیدن نهی کرده اند.
 ۳. روایاتی که از تشبه در انوسیت و رجولیت نهی کرده اند.
- در ادامه این روایت مورد بررسی قرار می گیرد.

۴-۴-۱. روایتی که از هر نوع تشبه نهی کرده اند

برخی از روایات مطلق بوده و ظاهر روایات آن است که هر گونه تشبه مردان به زنان و بر عکس، ممنوع است، تشبه در لباس پوشیدن، گفتار، رفتار، حرکات و ... همه ممنوع است. روایاتی که از اطلاق برخوردارند، دو روایت است:

روایت اول: روایت جابر

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ وَعَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ وَمُحَمَّدِ بْنِ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي قَتَادَةَ جَمِيعاً عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع: «... لَعَنَ اللَّهُ ... الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸، ۷۱)

به موجب حدیث فوق، خداوند سبحان، مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان کرده اند، را لعن نموده است. اطلاق روایت شامل هر گونه تشبه می شود. از این رو هر تشبهی به جنس مخالف، حرام خواهد بود.

نقد و نظر

به نظر می رسد این روایت ضعف سندی داشته و لذا قابل استدلال نیست؛ زیرا در سند ابوعلی اشعری، محمد بن سالم است که فاقد توثیق است و در سند علی ابن ابراهیم، عمر بن شمر قرار داد که وثاقت وی نیز روشن نیست. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ۱۵۲) علاوه بر این ظاهر روایت این است که مراد از تشبه، تانث مرد و تذکر زن باشد. (انصاری، ۱۴۳۸: ۱، ۱۷۴) به دیگر سخن مراد تشبه مرد به زن است در مفعولیت و تشبه زن به مرد است در فاعلیت در امر جنسی. (مامقانی، ۱۳۲۳: ۱، ۶۷) موید این

تفسیر گروه سوم روایاتی است که در ادامه خواهد آمد. در این روایت آمده است که منظور از تشبه، تانث مرد و تذکر زن است.

روایت دوم: روایت زید بن علی

أَبِي رَجْمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْجَوْزَاءِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ ع أَنَّهُ رَأَى رَجُلًا بِهِ تَأْنِيثٌ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهُ اخْرُجْ مِنْ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ يَا مَنْ لَعَنَهُ رَسُولُ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ عَلِيُّ ع سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ (صدوق، ۱۳۸۶: ۲، ۶۰۲)

مطابق این روایت، امیر مومنان علیه السلام، مردی که نشانه های انوثیت (به تانث) داشته را از مسجد بیرون کرده و فرمودند که از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «خداوند مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان کنند را لعن کرده است.»

نقد و نظر

اولاً: برخی از محققین بر این اعتقادند که سند روایت به واسطه ابی الجوزاء، قابل اعتماد نیست. (منتظری، ۱۴۱۵: ۲، ۵۰۵) ثانیاً: روایت ظهور دارد در اینکه مرد منخنث بوده و یا زی زنان را داشته است. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۹: ۳۳۵؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲: ۵۶۷؛ تبریزی، ۱۴۳۱: ۱۶۴ و ۱۶۵؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۴۸۳؛ منتظری، ۱۴۱۵: ۲، ۵۰۵)

به دیگر سخن، نمی توان گفت منظور از «رجلٌ به تانیث» این است که مرد، نشان ها و علائم زنانگی نظیر پوشش و لباس و ... است؛ چرا که از ظاهر سایر روایات استفاده می شود مراد از «به تانیث» تشابه در لباس نیست نظیر روایت ابی بصیر که از نظر سند صحیح است. (اشتهاردی، ۱۴۱۷: ۲۸۲) به موجب این روایت، ابلیس در یک شکلی که در آن تانیث بود بر بعضی از جوانان قوم لوط وارد شد علاوه بر اینکه لباس خوبی هم پوشیده بود، پس در صورتش تانیث بود، رفت نزد جوانها و گفت من را مفعول قرار دهید این کار را کردند و لذت بردند سپس خودشان با یکدیگر این کار را انجام دادند.^۲ در روایت دیگری نیز آمده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كَانَ الرَّجُلُ كَلَامَهُ نِسَاءً وَ مَشِيَّتُهُ مِشْيَةَ نِسَاءٍ وَ يَمَكَّنُ مِنْ نَفْسِهِ، فَيَنْكَحُ كَمَا تَنْكَحُ الْمَرْأَةُ، فَازْجُمُوهُ وَ لَا تَسْتَحْيُوهُ.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴، ۲۶۶)

تانیث در یک صورت که کلام و مشی اش را مرد همانند زن قرار دهد و این مقدمه تمکن من نفسه و مفعول واقع شدن باشد این میشود رجل فیه تانیث و مصداق بارز تشبه این است.

۲. جرعاملی، محمد، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۳۲۹: «علی بن ابراهیم عن ابيه عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن أبان بن عثمان عن أبي بصير عن أحدهما عليهما السلام: في قول لوط إنكم لتأتون الفاحشة ما سبقكم بها من أحد من العالمين، فقال إن إبليس أتاهم في صورة حسنة فيها تأنيث و عليه ثياب حسنة فجاء إلى شباب منهم فأمرهم أن يقفوا به و لو طلب إليهم أن يقف بهم لأبوا عليه و لكن طلب إليهم أن يقفوا به فلما وقفوا به التذوم ثم ذهب عنهم و تركهم فأحال بعضهم على بعض.»

۴-۲. روایاتی که از تشبه در لباس، نهی کرده اند

در بعضی روایت، از تشبه مردان و زنان در لباس نهی شده است:

روایت اول: روایت مکارم الاخلاق

«وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُزْجُرُ الرَّجُلَ أَنْ يَتَشَبَّهَ بِالنِّسَاءِ وَيَنْهَى الْمَرْأَةَ أَنْ تَتَشَبَّهَ بِالرِّجَالِ فِي لِبَاسِهَا.» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۲۵)

به موجب این روایت، پیامبر گرامی اسلام منع می کردند مردان را از اینکه شبیه زنان بشوند. مقصود از این فراز ابهام دارد؛ زیرا مصداق تشبه را معین نکرده اند اما در فراز دوم زن را منع کرده اند از اینکه در لباسش تشبه به رجال داشته باشد.

وانگهی در روایت کنونی، امام صادق علیه السلام از ماده «زجر» استفاده فرموده و است و روشن است که ماده «زجر» نظیر ماده «نهی» ظهور در حرمت و بغض شدید دارد مگر قرینه ای دلالت بر بعض خفیف و کراهت نماید.

علاوه بر این گفته شده است در این روایت آمده است که: «و نهی المرأة أن تتشبه بالرجال فی لباسها» با توجه به این روایت، زنان از پوشیدن لباس مردان، نهی شده اند. این روایت به فحوی و اولویت قطعی، از تشبه در صورت، سیرت، نحوه صحبت کردن و ... نهی کرده است. (لاری، ۱۴۱۸: ۱، ۸۹)

استدلال به این روایت، برای اثبات حرمت تشبه به جنس مخالف در لباس، صحیح نیست؛ از یک سو، روایت مرسل است و لذا قابل استدلال نمی باشد و از دیگر سو، مراد از تشبه در لباس، صرف پوشیدن لباس جنس مخالف نیست بلکه مراد این است که مرد خود را به زنی زنان در آورد و بر عکس (خوئی، بی تا، ۱/۲۱۰) مرحوم آقای خوئی در این خصوص می نویسد: «و قد تجلی مما ذکرناه أنه لا شك فی جواز لبس الرجل لباس المرأة لإظهار الحزن و تجسم قضية الطف و إقامة التعزية لسيد شباب أهل الجنة عليه السلام، و توهم حرمة لاخبار النهی عن التشبه ناشئ من الوسواس الشیطانية، فإنك قد عرفت عدم دلالتها على حرمة التشبه.» (خوئی، بی تا: ۱، ۲۱۰)

علاوه بر این، با توجه به مرسل بودن روایت، ممنوعیت تشبه در خود لباس پوشیدن را نمی توان از آن استنباط کرد چه رسد به اینکه از روایت مفهوم اولویت گرفته و به سایر مصادیق تشبه سرایت داده شود.

روایت دوم: موثقه مهران

«عَنْهُ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ فِي الرَّجُلِ يَجُرُّ ثَوْبَهُ قَالَ إِنَّي لَأَكْرَهُ أَنْ يَتَشَبَّهَ بِالنِّسَاءِ.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶، ۴۵۸)

در این روایت که ظاهراً از نظر سندی، موثقه باشد، راوی می‌گوید امام صادق علیه السلام نسبت به مردی که جامه‌اش بلند است و به زمین کشیده می‌شود، فرمودند من مبعوض می‌دارم که مرد تشبیه به زنها داشته باشد.

هر چند احتمال دارد، روایت تشبیه در لباس را مبعوض دانسته باشد ولی این احتمال نیز وجود دارد که آنچه در روایت مورد نظر بوده است، جز الثوب و کشیدن لباس بر زمین بود که نوعی تبختر و فخرفروشی است. وانگهی واژه «اکره» ظهور در حرمت نداشته و از آن استفاده بعضی خفیف و کراهت اصطلاحی می‌شود (تبریزی، ۱۴۳۱: ۱۶۶). یا حداقل روایت از این جهت اجمال داشته و قدرمتیقن آن، کراهت است. شاهد این تفسیر آن است که در خصوص جز الثیبات، برخی از فقها فتوی به کراهت داده اند ولی فتوی به حرمت وجود ندارد. (مامقانی، ۱۳۲۳: ۱، ۶۷؛ خوانساری، ۱۴۰۰: ۷؛ خوئی، بی تا: ۱، ۲۱۰)

۴-۳. روایتی که تشبیه در نانو یا رجولیت را نهی کرده اند

گروهی از روایات تشبیه از نظر جنسی را نهی کرده است؛ یعنی مرد حق ندارد نظیر زنان، مفعول واقع شود و زنان حق ندارند نظیر مردان، فاعل قرار گیرند. در حقیقت به موجب این روایات، روایاتی نهی کننده از تشبیه، از لواط و مساحقه نمی‌کنند.

روایت اول: روایت یعقوب بن جعفر

«سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبَا إِبرَاهِيمَ ع - عَنِ الْمَرْأَةِ تُسَاحِقُ الْمَرْأَةَ وَ كَانَتْ مُتَكِنَةً فَجَلَسَ فَقَالَ مَلْعُونَةٌ الرَّائِبَةُ وَالْمَرْكُوبَةُ وَ مَلْعُونَةٌ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ أَثْوَابِهَا الرَّائِبَةُ وَالْمَرْكُوبَةُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أَوْلِيَاءَهُ يَلْعَنُونَهُمَا وَ أَنَا وَ ... وَ فِيهِنَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهَاتِ بِالرِّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ۵۵۲)

مطابق این روایت، شخصی از امام باقر ع یا امام صادق علیه السلام راجع به مساحقه و همجنس‌گرایی بین زنان سوال می‌پرسد. حضرت ع فرمودند راکبه و مرکوبه هر دو ملعون هستند سپس حضرت می‌فرمایند در رابطه با اینها پیامبر فرمودند: «لعن المتشبهين من الرجال بالنساء...» به موجب این روایت، منظور از روایات دسته اول، تشبیه از هر جهت ممنوع نیست بلکه شتبه در امور جنسی و همجنس‌گرایی، ممنوع است.

اشکالی که در استدلال به روایت وجود دارد این است که این روایت به خاطر علی بن قاسم و جعفر بن محمد، ضعف سندی داشته و لذا قابل اعتماد نمی‌باشد.

روایت دوم: روایت ابی خدیجه

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ قَالَ وَ هُمُ الْمُحْتَثُونَ وَ اللَّاتِي يُنْكِحْنَ بَعْضُهُنَّ بَعْضًا.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ۵۵۰)

در این روایت امام صادق علیه السلام، این عبارت رسول مکرم اسلام که فرمودند «لعن المتشبین من الرجال بالنساء...» را تفسیر به کسانی می کنند که مخنث و همجنس گرا هستند. منتهی این روایت نیز با ضعف سندی مواجه است.

۵. حکم معامله با موضوع تشبیه مرد به زن و بعکس

با توجه به عدم حرمت تشبیه در لباس پوشیدن بودن و تزئین به زینت جنس مخالف، قراردادهایی که موضوع آنها تزئین شخص به زینت جنس مخالف، با ممنوعیتی مواجه نبوده و چنین قراردادهایی باید صحیح به شمار آید. مگر آنکه شخصی که اقدام به تزئین خود به زینت جنس مخالف کرده، هدفش انجام افعال حرام و ممنوع باشد که در این صورت به جهت نامشروع بودن جهت معامله، قراردادی که برای تزئین شخص به جنس مخالف نموده است نیز باطل خواهد بود.

نتایج

ادله ای که برای اثبات حرمت تشبیه به جنس مخالف بیان شده است، عموماً قابل اعتماد نیست و صرفاً روایات می تواند محور استدلال قرار گیرد. روایات هم مشخص شد بر سه دسته اند. روایات دسته اول از مطلق تشبیه نهی کرده و روایات دسته دوم از تشبیه در لباس. این دو دسته از روایات، با هم تعارضی نداشته و لذا امکان تخصیص دسته اول از روایات با دسته دوم وجود ندارد؛ چرا که این دو دسته از روایات، مثبتین اند. البته ایرادی که به دسته دوم از روایات وارد این است که این روایات، اعتبار سندی نداشته و نمی توانند حرمت تشبیه در لباس را ثابت نمایند. موثقه مهران نیز که از نظر سندی معتبر بود، مفادش حرمت تشبیه در کیفیت پوشش بود (جز الثوب) نه در اصل پوشیدن لباس جنس مخالف. علاوه بر این، نهی ای که در موثقه مهران شده است، نشانگر کراهت «جز الثوب» و بعضی خفیف است نه حرمت آن. ولی دسته سوم از روایات با اطلاق دسته اول در تنافی است و بلکه مفسر دسته اول از روایات است. اگر اعتبار سندی دسته سوم، تمام باشد، می توان گفت از مجموع روایات دسته اول و سوم این نتیجه به دست می آید، تشبیه در تخنث و روابط جنسی به جنس مخالف حرام است نه صرف پوشیدن یا تزئین به جنس مخالف. همچنانچه که جمعی از محققین اعتقاد به عدم حرمت تشبیه به جنس مخالف شده اند، محققینی نظیر حضرت آیه الله سیستانی، آیه الله مکارم شیرازی، آیه الله بهجت و مرحوم آیه الله خوئی.

افزون بر آن، بدون تردید برخی از تشبیهات به جنس مخالف ممنون نیست بلکه چه بسا نیکو باشد نظیر تشبیه مرد به زن در بعضی شغل ها مثل تنظیف خانه، مثل پارچه بافی و امثال آن. این امور می تواند قرینه بر این باشد که مطلق تشبیه به جنس مخالف، مراد روایات دسته اول نمی باشد. نتیجه این می شود که قدرمتیقن از حرمت تشبیه، تشبیه در تذکر و تانث است نه صرف پوشش. از این رو اگر شخص بدون اینکه به زیّ جنس مخالف در آید و یا حتی به خاطر غرض عقلایی خود را به

جنس مخالف تزئین کند، ظاهراً مشکلی ندارد نظیر اینکه مردی تصمیم دارد در نمایش یا فیلم نامه، نقش خانمی را بازی کند.

با توجه به عدم حرمت تشبیه در لباس پوشیدن بودن و تزئین به زینت جنس مخالف، قراردادهایی که موضوع آنها تزئین شخص به زینت جنس مخالف، با ممنوعیتی مواجه نبوده و چنین قراردادهایی باید صحیح به شمار آید. مگر آنکه شخصی که اقدام به تزئین خود به زینت جنس مخالف کرده، جهت معامله اش، انجام افعال حرام و ممنوع باشد که در این صورت به دلیل نامشروع بودن جهت معامله، قراردادی که برای تزئین شخص به جنس مخالف نموده است نیز باطل خواهد بود.

منابع

- اراکي، محمد علی (۱۴۱۴ق). المسائل الواضحة. چاپ اول. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- اردبیلی، علی (۱۴۰۳ق). مجمع الفائده و البرهان. چاپ اول. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- اشتهادری، علی پناه (۱۴۱۷). مدارک العروه. تهران: منظمه الاوقاف و الشؤون الخیریه.
- اصفهانى، سيدابوالحسن (۱۴۲۲ق). وسیله النجات مع حواشی الامام الخمينی. چاپ اول. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- _____ (۱۳۹۳ق). وسیله النجات مع حواشی الگلپایگانی. جلد ۳. چاپ اول. قم: چاپخانه مهر.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب. چاپ اول. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- انصاری، محمد علی (۱۴۱۵). الموسوعه الفقهيہ الميسره. قم: مجمع الفكر الاسلامی.
- ایروانی، علی (۱۴۰۶). حاشیه المکاسب. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق). الحدائق الناظره. جلد ۲۳. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بحرانی، محمد سند (۱۴۲۹ق). سند العروه الوثقی؛ کتاب النکاح. جلد ۲. چاپ اول. قم: مکتبه فذک.
- بصری بحرانی، محمد امین (۱۴۱۳ق). کلمة التقوی. جلد ۷. چاپ سوم. قم: سید جواد وداعی.
- بهجت، محمد تقی (۱۳۲۳ق). وسیله النجات. چاپ دوم. قم: انتشارات شفق.
- تبریزی، جواد (۱۴۳۱). تنقیح مبانی العروه. قم: دار الصدیقه الشهیده.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۶ق). منهاج الصالحین. جلد ۲. چاپ اول. قم: مجمع الامام المهدي عج.
- حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق). مستمسک العروه الوثقی. جلد ۱۴. چاپ اول. قم: موسسه دار التفسیر.
- _____ (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. جلد ۲. چاپ اول. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- حکیم، سید محمد سعید (۱۴۱۵ق). منهاج الصالحین. جلد ۳. چاپ اول. بیروت: دار الصفوه.

- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴). الصحاح. جلد ۶. بیروت: دار العلم للملایین.
- خلیل بن احمد (۱۴۰۹). العین. جلد ۳. بیروت: مؤسسة دار الهجرة.
- خمینی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسيلة. جلد ۲. چاپ اول. قم: موسسه مطبوعات دارالعلم.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق). جامع المدارك فی شرح مختصر النافع. جلد ۴. چاپ دوم. قم: موسسه اسماعیلیان.
- خوانساری، محمد (۱۴۰۰ق). حاشیه الاولى علی المکاسب. قم: بی نا.
- خویی، سید ابو القاسم موسوی (بی تا). مصباح الفقاهه. قم: نشر مدینه العلم.
- داورپناه مقدم، سجاد، و ناصری مقدم، حسین (۱۳۹۸)، دلایل حکم بطلان معامله مشروط به عمل حرام. آموزه‌های فقه مدنی، ۱۱(۲۰)، ۱۰۱-۱۲۸.
- روحانی، سید محمد حسینی (۱۴۱۷ق). المسائل المنتخبة. چاپ اول. کویت: شرکه مکتبه الالفین.
- زییدی، مرتضی (۱۳۰۷ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بی جا: بی نا.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۹ق). رساله توضیح مسائل. چاپ سوم. قم: موسسه امام صادق ع.
- سبزواری، سید عبد الأعلى (بی تا). جامع الأحکام. چاپ نهم. قم: موسسه المنار.
- _____ (۱۴۱۳ق). مهذب الأحکام. جلد ۲۴. چاپ چهارم. قم: موسسه المنار.
- سبزواری، محمد باقر (بی تا). کفایه الاحکام. جلد ۲. چاپ اول. اصفهان: مهدوی.
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ق). منهج الصالحین. جلد ۳. چاپ پنجم. قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی.
- شیرازی زنجانی، سید موسی (۱۴۳۰ق). رساله توضیح المسائل. چاپ اول. قم: انتشارات سلسبیل.
- شهید اول، محمد (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه. چاپ دوم. قم: انتشارات سلسبیل.
- شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۴ق). حاشیه الارشاد. چاپ اول. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۴۲۲ق). حاشیه شرائع الاسلام. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة. چاپ اول. قم: کتابفروشی داورى.

_____ (۱۴۱۳ق). مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام. جلد ۷. چاپ اول. قم: موسسه المعارف الاسلاميه.

شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). المقتعه. چاپ اول. قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد ره.

صدوق، ابن بابويه (۱۳۸۶ق). علل الشرائع. چاپ اول. قم: كتابفروشى داورى.

صيمرى، مفلح بن حسن (۱۴۲۰ق). غايه المرام فى شرح شرائع الاسلام. جلد ۳. چاپ اول. بيروت: دار الهادى.

طباطبايى، سيد على (۱۴۱۸ق). رياض المسائل فى تحقيق الاحكام بالدلائل. جلد ۱۱. چاپ اول. قم: موسسه آل البيت ع.

_____ (۱۴۰۹ق). الشرح الصغير فى شرح مختصر النافع. جلد ۲. چاپ اول. قم: انتشارات كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى قدس سره.

طوسى، محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذيب الأحكام. جلد ۷. چاپ چهارم. تهران: دار الكتب الاسلاميه. _____ (۱۴۰۰ق). النهايه. چاپ دوم. بيروت: دار الكتاب العربى.

عاملى، سيد جواد (۱۴۱۹ق). مفتاح الكرامه فى شرح قواعد العلامه. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

عراقى، آقايى (۱۳۶۱ق). شرح تبصره المتعلمين. چاپ اول. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم.

عزيزانى، مجيد (۱۴۰۲). غيرقابل استناد بودن معاملات به قصد فرار از دين در حقوق ايران با نگاهی به حقوق فرانسه. آموزه‌های فقه مدنى، ۱۵(۲۸). (۲۶۷-۲۹۰)

علامه حلى، حسن بن يوسف (۱۴۲۰ق). تحرير. جلد ۳. چاپ اول. قم: موسسه امام صادق عليه السلام.

_____ (۱۴۰۱ق). أجوبة المسائل المهنيّة. قم: مطبعه الخيام.

فاضل أبى، حسن (۱۴۱۷ق). كشف الرموز. جلد ۲. چاپ سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

فاضل لنكرانى، محمد (۱۴۲۹). تفصيل الشريعه؛ الصلاه. قم: مركز فقهى ائمه اطهار (ع).

فقعانى، على بن على (۱۴۱۸ق). الدر المنضود. چاپ اول. قم: مکتبه امام العصر (عج) العلميه.

- فیاض، محمد اسحاق (بی تا). منهاج الصالحین. جلد ۳. بی جا: بی نا.
- کاشف الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ق). انوار الفقاهه: کتاب النکاح. چاپ اول. نجف اشرف: موسسه کاشف الغطاء.
- کاشف الغطاء، جعفر (۱۴۲۰ق). شرح الشيخ جعفر علی قواعد. نجف: موسسه کاشف الغطاء.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلیپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۳ق). هدایة العباد. جلد ۲. چاپ اول. قم: دار القرآن الکریم.
- گروهی از نویسندگان (۱۳۹۳). فتاوی العلماء الأعلام فی تشجیع الشعائر الحسینیة. چاپ اول. قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- لاری، سیدعبد الحسین (۱۴۱۸ق). التعلیقہ علی مکاسب. چاپ اول. قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۲۲ق). الأحکام الواضحة. چاپ چهارم. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار ع.
- _____ (۱۴۲۶ق). رساله توضیح المسائل. چاپ صد و چهارم. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار ع.
- مامقانی، محمدحسن (۱۳۲۳). غایه الآمال فی شرح مکاسب و البیع. قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
- محقق اول، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. جلد ۲. چاپ دوم. قم: موسسه اسماعیلیان.
- _____ (۱۴۱۸ق). مختصر النافع فی فقه الامامیه. جلد ۱. چاپ ششم. مشهد: موسسه المطبوعات الدینیة.
- محقق بهبهانی، وحید (۱۴۱۷ق). حاشیه مجمع الفائدة البرهان، قم: موسسه العلامه المجدد الوحید البهبهانی.
- محقق ثانی، علی (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد، قم: موسسه آل البيت.
- مرعشی، سید شهاب الدین (۱۴۰۶ق). منهاج المؤمنین، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ق). فقه الإمام الصادق علیه السلام، قم: موسسه انصاریان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق). رساله توضیح المسائل، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب ع.
- _____ (بی تا) انوار الفقاهه: کتاب التجارت، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب ع.

- منتظری، حسین علی (١٤١٥ق.)، دراسات فی المكاسب المحرمه، قم: نشر تفکر.
- موسوی عاملی، محمد بن علی (١٤١١ق.)، نهایه المرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجفی، محمد حسن (بی تا) جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، مولی احمد (١٤١٥ق.)، مستند الشیعه، قم: موسسه آل البيت ع.
- وحید خراسانی، حسین (١٤٢٨ق.)، توضیح المسائل، قم: موسسه امام باقرع.
- _____ (١٤٢٨ق.)، منهج الصالحین، قم: موسسه امام باقرع.
- هاشمی شاهرودی، محمود (١٤٣٢) موسوعه الفقه الاسلامی المقارن، ایران، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- یزدانی، غلامرضا (١٤٠٠)، حقوق اموال، تهران: انتشارات مجد.
- یزدی، سیدمحمد کاظم (١٤٢١ق.)، حاشیه المكاسب، قم: موسسه اسماعیلیان.
- _____ (١٤٠٩ق.)، العروه الوثقی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- _____ (١٣٣٧ق.)، العروه الوثقی المحشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (١٤٢٨ق.)، العروه الوثقی مع التعليقات، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب ع.
- _____ (بی تا)، العروه الوثقی مع تعليقات المنتظری، بی جا، بی نا.